

تفسیر حقوق قراردادهای با تکیه بر حقوق عمومی اقتصادی ایران

نوع مقاله: پژوهشی

محمد مسعودی نیا^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲

چکیده

اقتصاد همانند اخلاق و عدالت به عنوان یکی از منابع اصلی در تفسیر حقوق قراردادهای بشمار می رود. از این نظر، قاعده حقوقی در تولید ثروت و رفاه اجتماعی موثر است به گونه ای که هر قاعده حقوقی که موجب تلف منابع شود، باید مورد بازبینی قرار گیرد. اقتصاد حقوق یا تحلیل اقتصادی حقوق از منظر اقتصاددوست، این مکتب از فلسفه پیامد گرایی عدالت الهام گرفته و نوعی روش شناسی علمی به حساب می آید منطق اقتصاد حقوق، کاربرست اصول اقتصادی در فرآیند تصمیم گیری حقوقی است، اقتصاد قرارداد نیز به دنبال کارآیی قراردادی، تخصیص هزینه های معاملاتی، مبارزه با فرصت طلبی قراردادی و تخصیص خطرات قراردادی با هدف تامین رفاه اجتماعی و اجرای قرارداد کارآمد است. می توان گفت در نگرش اقتصادی به حقوق، قراردادهای از دیدگاه کارایی اقتصادی مورد مطالعه قرار می گیرند.

کلمات کلیدی: حقوق اقتصادی، نظریه اقتصادی، تحلیل اقتصادی، قراردادهای

طبقه بندی JEL: K00

^۱ استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی و حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

masoudinia@pnu.ac.ir

مقدمه

در چند دهه گذشته، اندیشه‌های زیادی درباره اعمال اقتصاد، در زمینه حقوق قراردادهای ابراز شده است. امروزه تقریباً پذیرفته شده که حقوق، دانشی مستقل نیست و وابستگی نسبی به سایر علوم دارد. به همین علت، با گذشت زمان به شمار مکاتب ابزارگرا و مطالعات میان‌رشته‌ای در علم حقوق افزوده می‌شود. در این میان، جنبش «حقوق و اقتصاد» از حرکت‌هایی است که در دهه‌های اخیر، در اختصاص مطالعات حقوقی به خود، توفیق زیادی کسب کرده است و به همین علت است که از آن به عنوان مهم‌ترین تحول در دانش حقوق، در قرن اخیر یاد می‌شود. به اذعان همه نویسندگان، سنگ بنای جنبش حقوق و اقتصاد و یا به عبارتی آن‌چه امروزه به «تحلیل اقتصادی حقوق» معروف شده است. مکتب تحلیل اقتصادی حقوق بعد از دو دوره شکل‌گیری (۱۹۷۳-۱۹۵۸) و اوج و پذیرش همگانی (۱۹۸۰-۱۹۷۳)، از اواخر دهه ۱۹۸۰ به بعد، مورد انتقاد برخی از حقوقدانان قرار گرفت. عمده انتقادات به ادعای پازنر مبنی بر اینکه مبنا و هدف قواعد حقوقی باید کارایی اقتصادی باشد، مربوط بود اما امروزه تقریباً میان طرفداران و منتقدان مکتب تحلیل اقتصادی حقوق این مسئله مورد اجماع است که در زمینه‌هایی از حقوق که هدف آن کسب سود بیشتر همراه با هزینه کمتر و یا تخصیص مناسب و مطلوب منابع محدود است، کارایی اقتصادی، با عدالت، منطبق می‌شود و می‌تواند به عنوان مبنا و هدف قواعد مربوطه، مطرح گردد.

"حقوق و اقتصاد"^۱ که با عنوان تحلیل اقتصادی حقوق نیز شناخته می‌شود، از دو جنبه مهم با سایر اشکال تحلیل حقوقی تفاوت دارد. اول آنکه در این تحلیل نظری بر کارایی تمرکز می‌شود. به بیان نظری، یک وضعیت حقوقی در صورتی کارآمد خواهد بود که در آن حق به فرد یا گروهی داده شود که تمایل به پرداخت بیشترین مبلغ بابت دریافت آن حق را داشته باشد. حقوق و اقتصاد» بر این نکته تأکید دارد که بازارها از دادگاه‌ها کارآترند (پُوزنر،^۲ ۱۹۹۸: ۷۷۸). با ظهور حقوق اقتصادی و فلسفه نفع‌گرایی در حقوق خصوصی مسائل و مشکلات جدیدی در محافل علمی حقوقی مطرح شده است، ظهور انواع مقررات عمومی و این نظر که حقوق خصوصی می‌تواند به عنوان ابزاری برای اجرای سیاست‌های عمومی و عدالت اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد مد نظر حقوقدانان می‌باشد. (بابایی، ۱۳۸۶: ۲۱-۲۵).

گرایش‌های فکری جدید در حوزه علوم انسانی موجب شد که اهمیت و نقش قواعد حقوقی در روابط اجتماعی و اقتصادی مورد توجه دیگر علوم قرار گیرد و ارتباط متقابل قواعد حقوقی و نهادهای اجتماعی و اقتصادی مورد بحث قرار گیرد. در همین راستا، بحث‌های اقتصاددانان،

^۱ . Law and economics

^۲ Posner

جامع‌شناسان، روان‌شناسان و فلاسفه در خصوص ارتباط حقوق و دیگر علوم اجتماعی و انسانی طی دو قرن اخیر شکل گرفته و آغاز نگاهی بین‌رشته‌ای در دنیای حقوق شده است. در این میان مباحثی که توسط اقتصاددانان راجع به نقش قواعد حقوقی در نهادها و روابط اقتصادی و ریشه حقوقی نظام‌های اقتصادی که از آغاز با بحث‌های اقتصاددانی همچون آدام اسمیت مطرح شده، بیانگر توجه و ارتباط ویژه علم اقتصاد و حقوق بوده است.

از طرف دیگر بروز مکاتب فکری جدید نزد حقوقدانان و نگاه ایشان به حقوق به عنوان ابزار مهندسی اجتماعی که درصدد تحقق اهداف خاص اجتماعی و اقتصادی و سیاسی است سبب شد که حقوقدانان نیز به نوبه‌ی خود به مطالعه و به کارگیری دیگر علوم اجتماعی در حوزه حقوق به منظور شناخت روابط و قواعد حاکم بر جامعه و نیازهای آن بپردازند تا حقوق را منطبق با واقعیات اجتماعی در جهت نیل به اهداف مورد نظر به کار گیرند. به این‌گونه، مطالعات و ملاحظات میان‌رشته‌ای حقوق و دیگر علوم اجتماعی (اقتصاد، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، سیاست) بین حقوقدانان نیز به خصوص از نیمه‌های قرن بیستم میلادی توسعه یافتند. مکتب اقتصادی حقوق، بویژه در تعهدات مالی انتخاب عقلانی در انتقال حقوق و جریان معاملات ارادی مطرح است. از نظر اقتصادی حقوق مجموعه‌ای از قواعد مربوط به جبران خسارت نیست بلکه به عنوان نظامی از انگیزه‌ها و محدودیتهایی است که بر رفتارهای آینده تأثیر می‌گذارد. به لحاظ اقتصادی، به خصوص اقتصاد هنجاری، فرد بهترین دادرس برای انتخاب گزینه رفتاری بهتر در راستای فایده مطلوب به حساب می‌آید. ادبیات اقتصادی بیانگر بهینه‌سازی و اصل حداکثری در قواعد حقوقی است. به عبارت بهتر به لحاظ اقتصادی قاعده حقوقی کار آمد تلقی می‌شود که مجموع منافع آن بیشتر از مجموع هزینه‌های آن باشد. (انصاری، ۱۳۹۰: ۴۶-۴۹). به این ترتیب می‌توان تحلیل اقتصادی حقوق را به این نحو تعریف کرد: «حقوق و اقتصاد یا تحلیل اقتصادی حقوق به علمی اطلاق می‌شود که در آن تئوری اقتصادی (اساساً اقتصاد خرد) برای تحلیل شکل‌گیری، ساختار، روال و آثار اقتصادی حقوق و نهادهای حقوقی با هدف تحقق کارایی بیشتر، اعمال می‌شود.» (بابایی، ۱۳۸۶: ۱۸-۱۴).

۱. ادبیات نظری تحقیق

۱-۱ تعریف و مفاهیم قرارداد و حقوق اقتصادی

با وجود این در دهه‌های گذشته، علم اقتصاد در زمینه‌های غیربازاری نیز به کار رفت که به عنوان نمونه می‌توان به علم سیاست و روابط بین‌الملل اشاره کرد. سیطره علم اقتصاد با ظهور مکتب

تحلیل اقتصادی حتی به علم حقوق هم رسید. ظهور و بروز این پیوندهای نامأنوس با تعریف سنتی از علم اقتصاد، سبب بازتعریف علم اقتصاد میان دانشمندان این رشته گردید. آقای روبینز علم اقتصاد را چنین تعریف می‌کند: «اقتصاد به عنوان علمی است که رفتار انسانی را به عنوان رابطه‌ی بین اهداف و ابزارهای محدود دارای استفاده‌های جایگزین، مورد مطالعه قرار می‌دهد». به نظر آقای روبینز «کلیه رفتارهای انسان جنبه اقتصادی دارد» (انصاری، ۱۳۹۰: ۱۲). همچنین ریچارد لفتویچ در کتاب سیستم قیمت‌ها و تخصیص منابع تولیدی با اذعان به دشواری ترسیم مرزی میان علم اقتصاد و سایر علوم، آنچه را که راجع به آن توافق کلی وجود دارد به این صورت بیان می‌کند: «علم اقتصاد علمی است درباره رفاه و آسایش آدمی و شامل آن دسته از روابط یا تشکیلات اجتماعی است که متضمن توزیع منابع نادر اقتصادی بین خواسته‌های متعدد انسانی بوده و استفاده از این منابع را برای تأمین حداکثر خواسته بشر در برمی‌گیرد» (کاویانی، ۱۳۸۶: ۷۰). به طور کلی و بدون ورود در مباحث دقیق و جزئی نظری باید عقد و قرارداد را دو واژه مترادف تلقی کنیم. عقد را ماده ۱۸۳ قانون مدنی چنین تعریف کرده است: «عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها باشد». ماده ۱۰ قانون مدنی می‌گوید «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است». برای دوری گزیدن از اشکالات و ایرادات وارده بر تعریف عقد، حقوقدانان تعاریف دیگری نیز برای آن پیشنهاد کرده اند منجمله: عقد توافق دو یا چند اراده است که به منظور ایجاد آثار حقوقی انجام می‌شود (خاندوزی، ۱۳۸۶: ۲۹۱). در حقوق ایران مبحث عقد و قرارداد از مباحث مهمی است که قواعد آن در قانون مدنی کشور متمرکز شده است. در این قانون عقد و قرارداد هر دو به یک معنی به کار رفته است، ولی همان‌طور که خواهیم دید تمایز ظریفی نیز بین این دو وجود دارد. در قانون مدنی ایران بر اساس نظریات فقهی کلمه «عقد» (۱) برای تبیین آن دسته از قراردادهایی که در فقه اسلامی به طور خاص و روشن و تحت عنوان‌های مشخص ذکر شده‌اند بکار رفته است که از آنها به «عقود معین» یاد می‌شود مانند بیع و اجاره، در حالی که «قرارداد» (۲) به عنوان لغتی عام هم گروه اخیر و هم هر نوع عقد دیگری که نام آنها در قانون برده نشده ولی مخالفی هم با آن ندارد را در بر می‌گیرد که به آنها «عقود نامعین» نیز می‌گویند (انصاری، ۱۳۹۰: ۱۲۴-۱۲۲).

۲-۱ مبانی اقتصادی

در زندگی روزمره، همواره تصمیمات فروانی گرفته می‌شود: قبول پیشنهاد کار معین یا رد آن بدلیل یافتن کار بهتر، اجاره یک آپارتمان، فرستادن فرزندان به مدرسه معین و تصمیم به تغییر اتومبیل از

جمله‌ی این تصمیمات هستند. اتخاذ این گونه تصمیمات ضروری به نظر می‌رسند؛ زیرا منابعی که بوسیله آن‌ها زندگی می‌چرخد و همچنین عامل زمان محدود هستند. انسان نمی‌تواند همزمان در چندجا حاضر شود انتخاب یکی از آنها به معنای اعراض از دیگری است. از طرف دیگر آینده قابل‌پیش‌بینی نیست و پیامدهای تصمیمات ما مبنی بر انجام یا ترک عملی به طور معمول پس از تجربه آن‌ها به دست می‌آید. از این‌رو در تصمیمات ما همواره ابهام و به نوعی خطر کردن وجود دارد. در نتیجه، تصمیمات باید به گونه‌ای باشد که مانع از تلف منابع و پیامد ناخوشایند باشند. در صورت رعایت این دو و جستجوی بهترین انتخاب، تصمیمات ما قابل توجیه خواهند بود. این همان فرض عقلانیت است که بوسیله‌ی آن می‌توان رفتار حتمی انسانها را دریافت. در این تحلیل کمبود منابع، انتخاب عقلانی و ابهام نقش اساسی دارند.

۱-۲-۱ کمبود

فرض منابع کمیاب ناشی از اختلاف بین مجموع کالاهایی است که مردم برای رفع نیازهای خود در اختیار دارند و مجموع کالاهایی که برای رفع نیازهای آنها ضرورت دارد. با وجود این، منظور از منابع، تنها اموال و اشیاء مادی و محسوس نیست. زیرا طبیعت برخی از آنها مانند امنیت نامحسوس است. بدلیل کمیابی منابع، برای رفع نیازها به ناچار باید «انتخاب» صورت گیرد. اصل بنیادین علم اقتصاد این است که کمبود وجود دارد. در اقتصاد، کمبود به این معناست که انسان به طور ذاتی خواسته‌های نامحدودی دارد ولی نباید آن‌را با ناتوانی انسان در رسیدن به چیزهای مورد نیاز او برابر دانست بلکه به این معناست که انسان کالاها و خدمات بیشتری را نسبت به میزانی که در واقع در اختیار دارد یا می‌تواند به دست آورد، دوست می‌دارد. از نظر شخصی کمبود، به این معناست که شخص باشد دست به انتخاب بزند. به دلیل کمبود زمان، انسان باید درباره نحوه‌ی صرف زمان تصمیم بگیرد و از بین گزینه‌های مختلف، موردی را براساس ترجیح‌های خود انتخاب کند. کمبود در سطح گروهی یا اجتماعی ناظر به حالتی است که ترجیح‌های افراد، متعارض ساماندهی شوند. براین اساس، رکن اصلی الگوی اقتصادی، انسان اقتصادی یا عامل اقتصادی عاقل در شرایط کمبود است. بنابراین، واحد تحلیلی آن مبتنی بر فرد است که منابع وی محدود است؛ به گونه‌ای که امکان برآورده شدن کلیه نیازهای او با امکانات موجود وجود ندارد (انصاری، ۱۳۹۰: ۲۳-۲۴).

(۱) عدم قطعیت یا عدم ثبات «کمبود»

تجربه‌ی تاریخی و مطالعات مربوط حاکی از آن است که کمبود منابع امری حتمی و دایمی نیست. زیرا کمبود، موجب ایجاد نهادهایی برای رفع آن می‌شود، این نهادها، موجب می‌شود هر کس مال کمیاب را تنها براساس نیازهای خود به کار گیرد یا نیازهای خود را تعدیل کند. بنابراین کمبود از

نظر تاریخی حتمی نیست بلکه انسان می‌تواند با ایجاد نهادهایی این کمبود را اداره کند (همان، ۲۶).

(۲) نسبی بودن «کمبود»

کمبود یک مفهوم نسبی دارد و مطلق نیست. زیرا میزان کمبود به سطح نیازها و مقدار منابع موجود بستگی دارد. کمبود را می‌توان از طریق تکثیر منابع یا پایین آوردن سطح انتظارات کم کرد. از آنجا که کمبود چیزی، به شناخت فرد بستگی دارد، نه تنها از دوره‌ای به دوره دیگر، بلکه از شخصی به شخص دیگر متفاوت است. ممکن است شخصی از شیئی استفاده‌ای ببرد که در طبیعت آن نیست و استفاده‌هایی برای آن در نظر می‌گیرد که دیگران چنین استفاده‌ای نمی‌برند. تجارت و معاملات در یک جامعه نیز براساس کمبود است؛ چرا که معامله مبتنی بر این گرایش است که از نظر خریدار شیئی خریداری شده بسیار کمیاب‌تر از نظر فروشنده است و دو طرف معامله ارزش یکسانی برای مورد معامله قائل نیستند (همان، ۲۷-۲۸).

در سالهای اخیر با آنکه اقتصاد بازار بسیار مورد توجه و اقبال قرار گرفته است لیکن ناکامی بازار در رسیدن به اهداف عدالت توزیعی، عدالت اصلاحی و یا کارایی اقتصادی، عیوب این نظام اقتصادی را در جهانی که روابط اجتماعی بسیار پیچیده و همبسته شده، به‌طور فزاینده‌ای آشکار نموده است (کاوپانی، ۱۳۸۶: ۹۰). در جوامع دموکراتیک عدالت اقتصادی در قراردادها در نظر گرفته می‌شود. عدالت مفهومی است که بشر از آغاز تمدن خود می‌شناخته و برای استقرار آن کوشیده است. مشاهده طبیعت و تاریخ رویدادها، و اندیشه در خلقت از دیرباز انسان را متوجه ساخت که جهان، بهبود یافته نشده است؛ هدفی را دنبال می‌کند و نظمی بر آن حکمفرماست. انسان نیز در این مجموعه منظم و با هدف قرار گرفته است و با آن همگام و سازگار است. بنابراین، هرچه در راستای این نظم طبیعی باشد، درست و عادلانه است. حقوق نیز از این قاعده بیرون نیست و مبنای آن در مشاهده موجودات و اجتماعهای گوناگون است. پس، از ملاحظه «آنچه هست» می‌توان به جوهر «آنچه باید باشد» دست‌یافت. به بیان دیگر، در شیوه ارسطویی جستجوی عدالت نیز واقع‌گرایی دیده می‌شود و پایه آن مشاهده و تجربه است. (بادینی، ۱۳۸۲: ۱۱۱).

از دیدگاه علم اقتصاد عملکرد اقتصادی نیز بر دو مبنای خرد و کلان در نظر گرفته می‌شود طرفداران نظریه اقتصاد خرد در پی مطالعه رفتار منطقی طرفین و توزیع اطلاعات قراردادی بین آنها می‌باشند مانند کارمندی که فقط به دریافت بالاترین حقوق برای خود می‌اندیشد در عملکرد اقتصادی خرد قواعد حقوقی قرارداد بررسی درونی می‌شود در حالیکه اصول اقتصادی کلان بدنبال بررسی بیرونی قراردادها در سطح اجتماعی و برآیند آثار آن در روابط فردی و اجتماعی هستند با این دید دو مسئله مهم، بنیان اصول اقتصادی قراردادها را شکل می‌دهد که عبارت از قراردادهای

ناقص و هزینه معاملات. قراردادهای ناقص که از لحاظ اقتصادی شامل قراردادهایی هستند که در زمان تشکیل قرارداد تمامی احتمالات آتی در آن پیش بینی نشده است بنا براین نقص اقتصادی قرارداد غیر از نقض حقوقی قرارداد است نقض قراردادی از منظر اقتصادی، به عقود اطلاق می شود که تمامی جوانب آتی قرارداد را پیش بینی نکرده است و هزینه معاملاتی نیز، که برای اولین بار توسط رونالد گوز در مقاله مساله هزینه اجتماعی طرح شد مشتمل بر دو بخش است هزینه های اجرای تعهدات قراردادی و هزینه های رفتار فرصت طلبانه. هزینه های اجرا شامل هزینه های نگارش و تنظیم قرارداد، هزینه های مذاکره و باز مذاکره، هزینه های اطلاعات قراردادی به منظور تحصیل تقارن اطلاعات، هزینه های یافت بهترین شریک قراردادی، حمل و نقل، هزینه تادیه و یا دریافت ثمن قراردادی، هزینه پیمان شکنی و نقض قرارداد و غیره می شود و هزینه های رفتار فرصت طلبانه هم اصولاً بر یکی از طرفین قراردادی تحمیل می شود. هزینه های رفتار فرصت طلبانه می تواند مشروع یا نامشروع (به لحاظ حقوقی) باشد لکن معیار آن بر مبنای انگیزه به حداکثر رسانیدن منفعت فردی است.

۳-۱ تحلیل اقتصادی تشکیل قرارداد

تحلیل اقتصادی حقوق، به دنبال تحلیل اقتصادی «موضوعات حقوقی» است؛ بنابراین باید قائل به تفکیک شد. در موضوعات بازاری و زمینه‌هایی از روابط حقوقی مانند حقوق قراردادها یا حقوق مسئولیت مدنی و روابط تجاری که هدف آنها در جلب سود و گریز از زیان مالی است، اعمال کارایی و افزایش ثروت با عدالت هماهنگ و منطبق است و می‌توان کارایی را به عنوان مبنا و هدف این قواعد برگزید و دنبال کرد. در نتیجه در موضوعاتی همچون قراردادها و مسئولیت مدنی، هر قاعده‌ای که موجب تلف منابع یا زیان گردد باید مطابق با کارایی اقتصادی اصلاح گردد (اکبرپور و محبی و نظری، ۱۳۹۰: ۲۰).

در مرحله تشکیل قرارداد فرض می شود که برای هر یک از طرفین قرارداد " ارزش تعهدات طرف دیگر " بیشتر از " هر گونه تعهد جایگزین دیگر " است از نظر اقتصادی، قراردادها با هدف ایجاد ثروت طراحی می شوند و به عنوان یک توافق سازمانی به حساب می آیند قرارداد می تواند کارآمد یا نا کارآمد باشد و قرارداد نا کار آمد صرفاً به هزینه های اجتماعی اثر منفی خواهد گذاشت. اقتصاد قرارداد از اصل آزادی قراردادی، تکمیلی بودن قواعد حقوق قراردادها، به عنوان مبانی اقتصاد بازاری، حمایت می نماید. در مرحله تشکیل و اعتبار قرارداد صرفاً به تحلیل اقتصادی اصل آزادی قراردادی، تحلیل اقتصادی رفتار پیش قراردادی و تحلیل اقتصادی قراردادهای رایگان اشاره خواهد شد (بابایی، ۱۳۸۶: ۳۲-۳۳).

۱-۴ اعمال تحلیل اقتصادی در نظام حقوقی ایران

تحلیل اقتصادی حقوق ساخته نظام حقوقی آمریکا است و در حقوق کامن لا رشد یافته است. بر همین اساس یکی از فرض‌های تحلیل اقتصادی حقوق، مبتنی بودن نظام حقوقی کامن لا بر کارایی است. این فرض اولین بار توسط پازنر در کتاب تحلیل اقتصادی حقوق مطرح شد. به موجب این فرض اقتصادی، قواعد، فرآیندها و نهادهای حقوق کامن لا کارایی حقوق را تقویت می‌کنند به این صورت که کامن لا مانند بازارهای رقابتی عمل می‌کند؛ زیرا کامن لا طرفدار مداخله‌ی دولت نیست و در مقایسه با نظام حقوق نوشته، در برابر تغییرات واکنش بهتری نشان می‌دهد؛ در نظام حقوقی عرفی، رویکرد اقتصادی قاضی در آراء او و نهایتاً در رویه قضایی تحول ایجاد می‌کند؛ در حالی که در حقوق نوشته قاضی از چنین آزادی عملی برخوردار نمی‌باشد. بر همین اساس برخی به این نتیجه رسیده‌اند که مباحث تحلیل اقتصادی حقوق در حقوق نوشته‌ای همچون حقوق ایران کاربردی نخواهد داشت.

با وجود این با ملاحظه‌ی گرایش‌ها در روابط اقتصادی بین‌المللی، جهانی شدن فعالیت اقتصادی، آزادسازی تجارت و رفع نظارت دولت و بی‌اعتبار شدن نظریه‌های سیاسی که می‌تواند محیط مخالفی برای رشد تحلیل‌های اقتصادی بوجود آورد، به نظر می‌رسد حقوق نوشته نسبت به اعمال تحلیل‌های اقتصادی، استعداد بیشتری دارد. امروزه در بسیاری از کشورهای حقوق نوشته در اروپا، هرگونه تلاش برای آزادسازی زندگی اقتصادی و ایجاد حقوقی که از نظر اقتصادی کارآمد است، ابتدا از دولت برمی‌خیزد و در این مورد نظام حقوقی یا مکاتب حقوق نقش چندانی ندارند (همان، ۱۵۳-۱۶۲). از این منظر، در حقوق ایران انتظار می‌رود که تحلیل اقتصادی در وهله اول در وضع قوانین جدید یا اصلاح قوانین موجود به کار آید، هر چند که بدون تغییر قوانین نیز می‌توان تصور کرد که تحلیل اقتصادی حقوق موجب ارائه تفاسیر جدید و صحیح از قوانین موجود شده و از دانشگاه به رویه قضایی راه یابد. بنابراین اختلاف نظام حقوقی نوشته و حقوق کامن لا مانع بهره‌گیری از تحلیل اقتصادی حقوق نیست (کاویانی، ۱۳۸۶: ۹۴-۹۵).

۱-۴-۱ تفسیر صحیح قوانین

در بسیاری از قوانین، خاستگاه اقتصادی کاملاً غلبه دارد و تفسیر و اجرای این گونه قوانین جز از طریق تحلیل اقتصادی میسر نیست:

- تفسیر حقوق اسناد تجاری

دقت در قواعد حقوق اسناد تجاری و مقایسه آن با احکام راجع به مالکیت و نقل و انتقال اسکناس، مبین آن است که اسناد تجاری به مفهوم خاص، اسنادی هستند که زائیده ذهن خلاق بازرگانان

بوده و قواعد حاکم بر آن ابتدا به صورت عرف مسلم بوده و سپس به لباس قانون درآمده است، جملگی این هدف را دنبال می‌کنند که اسناد مزبور اگر چه پول نیستند اما همچون پول قابل اعتماد باشند. ملاحظه می‌شود که بدون توجه به این مسئله‌ی مقدماتی، اساساً حقوق اسناد تجاری قابل درک نیست. اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات یا اصل حمایت از دارنده با حسن نیت سند تجاری نمونه بارزی از این قواعد است. توجه به نتایج یک نظرخواهی از قضات دادگاه‌ها در این زمینه، اهمیت نگاه اقتصادی را روشن می‌سازد. در نظرخواهی از قضات سوال شده که اگر اسکناس تحت مالکیت «الف» مفقود شود و پس از چند بار گردش در دست شخص «ب» یافت شود، آیا حکم به استرداد اسکناس خواهند داد یا خیر؟ اکثریت قضات پاسخ داده‌اند که حکم به استرداد خواهند داد!

بدیهی است با چنین اندیشه‌ای که برگرفته از قواعد سنتی حقوق مدنی است، دستیابی به تفسیری صحیح از اصل حمایت از دارنده‌ی با حسن نیت سند تجاری منتفی است. همین نقیصه در تفاسیر حقوقدانان نیز قابل مشاهده است. از جمله گفته شده است که سکوت قانون تجارت ایران مبین آن است که اصل حمایت از دارنده‌ی با حسن نیت سند تجاری اساساً به حقوق ایران راه نیافته است و حال آن که تحلیل اقتصادی اسناد تجاری به خوبی ثابت می‌کند حذف این اصل از قواعد حاکم بر اسناد تجاری همانند آن است که انتقال مالکیت از عقد بیع حذف گردد (همان، ۹۶).

- تفسیر حقوق شرکت‌های تجاری

فلسفه وجودی شرکت‌های تجاری در مقایسه با شرکت‌های مدنی چیزی جز نگاه کاملاً اقتصادی به نهاد شرکت نیست. با اندک مبالغه می‌توان گفت، در حقوق شرکت‌های تجاری احترام اراده، قربانی مصلحت‌های اقتصادی شده است و بدون توجه به این خصیصه تفسیر حقوق شرکت‌های تجاری میسر به نظر نمی‌رسد. برای مثال لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت در مورد وضعیت سهم پس از فوت مالک آن، حکمی ندارد و این پرسش مطرح می‌شود که ورثه سهامداران چگونه می‌توانند حق و تکلیف خود را به عنوان سهامدار از جمله حضور در مجامع عمومی شرکت، اعمال نمایند. ممکن است پاسخ داده شود که سهم قهراً میان ورثه تجزیه شده و هر ورثه نسبت به پاره سهم خود حق حضور دارد، ممکن است چنین اظهار نظر گردد که ورثه ناگزیر در تعیین نماینده واحد هستند تا نماینده اعمال حق بنماید و همچنین می‌توان تصور نمود مادامی که سهم مزبور از طریق نقل و انتقال به مالکیت شخص واحد در نیامده، سهم دارای حق رأی شناخته نشود. مشاهده می‌شود که برخی از پاسخ‌ها نشأت گرفته از قواعد سنتی حقوق مدنی است در حالی که شرکت تجاری برخلاف شرکت مدنی با نگاهی کاملاً اقتصادی شکل گرفته است و دستیابی به پاسخ موجه، جز از طریق اصول اقتصادی حاکم بر شرکت سهامی ممکن نیست. فلسفه وجودی نهاد شرکت سهامی، امکان

استفاده بهینه از سرمایه مشترک به قیمت نفی سلطه کامل سهامداران بر سهام خویش است. بنابراین در پاسخ به این سؤال و مسائلی از این دست باید نگاه سنتی را رها کرده و براساس اصول اقتصادی مربوطه ارائه تفسیر و پاسخ نمود (همان، ۹۷).

- تفسیر قواعد راجع به حق العمل کاری

ماده ۳۵۷ قانون تجارت در تعریف حق العملکاری مقرر می دارد: «حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق العملی دریافت می دارد». سپس در ماده ۳۵۸، حق العملکاری را جز در موارد مصرح در قانون تجارت، مشمول قواعد وکالت می داند. بنابراین تصور بر این است که در تمامی موارد سکوت قانون تجارت باید به قواعد وکالت رجوع کرد. ولی ارجاع تمامی موارد، بدون پی بردن به خاستگاه اقتصادی نهاد حق العملکاری منحرف کننده خواهد بود. چرا که این نهاد زائیده نیازهای اقتصادی ای بود که نهاد وکالت قادر به برآورده ساختن آن ها نمی باشد و ارجاع حق العملکاری به وکالت در موارد سکوت، نوعی نقض غرض خواهد بود. آمر بنا به دلایل گوناگون قادر یا مایل به انجام معامله مستقیم نبوده و خواهان استفاده از وکیل است. در عین حال طبیعت موضوع معامله و یا شرایط بازار به گونه ای است که اشخاص حاضر با معامله با وکیل یک نفر، نیستند. نهاد حق العملکاری این تضاد خواسته ها را به بهترین صورت ممکن، حل و انجام معاملات را آسان می کند (همان، ۹۷-۹۸).

۲-۴-۱ اصلاح قوانین موجود و وضع قوانین جدید

در راه اصلاح قوانین موجود و وضع قوانین جدید نیز نمونه های بسیاری را می توان یافت که تحلیل اقتصادی در مورد آن ها نقش غالب و بلکه تعیین کننده دارد. در این قسمت صرفاً به چند مورد محدود اشاره می شود:

• قانون کار و قانون تأمین اجتماعی

قوانین کار و تأمین اجتماعی به منظور توسعه ای اشتغال قواعدی را وضع کرده اند و اقداماتی هم براساس آن ها صورت گرفته است ولی آمارها حکایت از نقش منفی این دو قانون در امر اشتغال دارد. هر دو قانون کار و تأمین اجتماعی هدف فراهم کردن امنیتی قابل قبول برای کارگران را تعقیب می کنند. استدلال اولیه و تصور اولیه در این مورد این است که تأمین امنیت کاری کارگر منجر به استقبال کارگران و روی آوردن آن ها به امر اشتغال خواهد شد ولی از آن جا که این هدف از طریق وضع تکالیفی برای کارفرمایان محقق می گردد، قهراً احتیاط کارفرمایان در امر استخدام را نیز در پی دارد. بنابراین قوانین مزبور همانند تیغی دو لبه از یک سو، امنیت شاغلین را فراهم می کنند و از سویی دیگر اشتغال بیکاران را به مخاطره می اندازند. این وضعیت دقیقاً مشابه مثال

«اجاره» در گفتار قبل است؛ برخلاف تصور اولیه که با تصویب قانون جدید وضعیت مستأجران بهبود می‌یابد و وضعیت مالکان بدتر خواهد شد، مشاهده شد که پس از مدت کوتاهی و برقراری حالت تعادل میان عرضه و تقاضا وضعیت مالکان بهبود یافته و وضعیت مستأجران به دلیل افزایش اجاره‌بهای ملک وخیم‌تر گردید. بنابراین، در این مورد مشابه هم این سؤال پیش می‌آید که آیا تأمین نهایت درجه امنیت شغلی برای کارگران سبب بهبود وضعیت اشتغال خواهد شد؟ آیا چند درجه کاستن از امنیت شغلی کارگران آن چنان تأثیری در امر اشتغال ندارد که تقلیل امنیت را موجه سازد؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ چگونه باید قوانین مزبور را تعدیل کرد و حالت تعادل میان امنیت شغلی از یک سو و میزان اشتغال از سوی دیگر در چه درجه‌ای برقرار خواهد شد؟ مشاهده می‌شود که صرفاً با تحلیل اقتصادی اجزاء این دو قانون می‌توانیم درجه تأثیر قوانین مزبور را بر اشتغال مورد سنجش قرار داده و عنداللزوم به اصلاح قوانین اقدام کرد (همان، ۹۸-۹۹).

• خسارت تأخیر تأدیه

خسارت تأخیر تأدیه تا پیش از انقلاب اسلامی، مبتنی بر قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ بود. با اظهار نظر شورای نگهبان مبنی بر ربوی بودن خسارت تأدیه، بحث‌ها در این زمینه در گرفت و همچنان اختلافات مربوطه، وجود دارد. غلبه بر این اختلاف‌ها نظرها و دستیابی به نتایج قابل قبول، جز از طریق تحلیل اقتصادی میسر نیست؛ به عبارت دیگر بدون درک ماهیت پول و مفهوم اقتصادی پولی، نرخ تورم و عدم‌النفع، هرگونه اظهار نظر، راجع به خسارت تأخیر تأدیه به مثابه اظهار نظر در خلأ خواهد بود (همان، ۹۹-۱۰۰).

۵-۱ اهداف و اصول اقتصادی قراردادهای

تحلیل اقتصادی حقوق در وهله‌ی اول به توصیف قواعد حقوقی می‌پردازد و در صورت ناکارآمدی آن قواعد، براساس مبنا و اهداف اقتصادی آن‌ها، به تجویز قواعد کارآمد اقدام می‌کند. بر این اساس، پس از روشن شدن ناکارآمدی نگاه سنتی به مورد معامله و به منظور تبیین اقتصادی آن، ابتدا اهداف و اصول اقتصادی قراردادهای مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵-۱-۱ اهداف اقتصادی حقوق قراردادهای

- اجرای معاملات کارآمد

از نظر اقتصادی، حقوق قراردادهای باید به گونه‌ای طراحی شوند که به موجب آن‌ها، صرفاً قراردادهایی اجرا شوند که از نظر اجتماعی کارآمد هستند. در صورتی که هزینه‌ی اجرا از نظر

متعهد، مورد محاسبه قرار گیرد، مدیون از نظر منطقی به این صورت عمل می‌کند که اگر هزینه‌ی اجرا برای او بیشتر از هزینه‌ی وارد به او در اثر نقض قرارداد باشد، قرارداد را نقض خواهد کرد؛ ولی اگر هزینه‌ی اجرا کمتر از هزینه‌ی نقض باشد، قرارداد را اجرا می‌کند. در حقیقت، مدیون در صورتی انگیزه کارآمد برای اجرای قرارداد دارد که هزینه‌ی وارد بر او در صورت نقض قرارداد برابر با سودی است که طرف دیگر در صورت نقض از دست خواهد داد. این وضعیت، در مورد نقض قرارداد، طلبکار را در موقعیتی قرار می‌دهد که گویی قرارداد اجرا شده است. دیگر نقش اقتصادی مهم حقوق معاملات، تنظیم مجموعه‌ای از عوامل معافیت در اجرای قرارداد است به گونه‌ای که اجرای قراردادهای کارآمد مورد تشویق قرار گیرند و از اجرای قراردادهای ناکارآمد جلوگیری کند. برخی از نویسندگان بر این باور هستند که قراردادهایی که از معیار برتر پارتو برخوردار نباشند، کارآمد نیستند. در صورت رعایت این معیار، دست‌کم شرایطی یکی از طرفین بهبود می‌یابد و طرف دیگر هم زیانی نمی‌بیند (انصاری، ۱۳۹۰: ۱۴۹-۱۵۰).

- مبارزه با فرصت‌طلبی

یکی دیگر از اهداف حقوق قراردادی، مبارزه با فرصت‌طلبی در قراردادهایی است که تعهدات طرفین به طور همزمان اجرا نمی‌شود. زیرا در چنین مواردی امکان دارد یکی از طرفین پس از دریافت سهم قراردادی، از انجام تعهد خودداری ورزد. در این مورد، قانون مدنی در ماده ۳۷۷ مقرر می‌دارد: «هریک از بایع و مشتری حق دارد از تسلیم مبیع یا ثمن خودداری کند تا طرف دیگر حاضر به تسلیم شود...». برخی از حقوقدانان، مبنای حق حبس را ناشی از قصد متعاملین دانسته‌اند بدین نحو که هر یک از متعاملین، تملیک و تعهدی در مقابل تملیک و تعهد دیگری می‌نماید (امامی، ۱۳۸۴: ۱۴۰) یکی دیگر از اساتید حقوقی مبنای حق حبس را بنای طرفین و اقتضای عرفی معاوضه دانسته است (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۱۴۰). هرچند که اساتید حقوقی مبنای حق حبس را ناشی از بنای ضمنی طرفین و عدالت معاوضی دانسته‌اند، با وجود این، به نظر می‌رسد توجیه اقتصادی این ماده بر توجیه سنتی غلبه دارد. زیرا حق حبس به عنوان قاعده عمومی در قراردادهای معوض، از فرصت‌طلبی طرفین جلوگیری می‌کند. علیرغم این مزیت اقتصادی، به نظر می‌رسد گروکشی، صرفاً ابزاری جهت جلوگیری از ضرر است نه وسیله جلب منفعت و اجرای معاملات کارآمد. قواعد معاملاتی باید به گونه‌ای طراحی شوند تا ضمن جلوگیری از فرصت‌طلبی، به اجرای قراردادهای کارآمد هم کمک کنند (شهیدی، ۱۳۸۵: ۱۲۹-۱۳۰).

- کاستن از هزینه‌های معاملاتی

از دیدگاه اقتصادی، هزینه‌های معاملاتی یکی از مهم‌ترین موانع تمایل به تشکیل یا اجرای معامله و همچنین از علل ناکارآمدی معاملات است. در علم اقتصاد، منظور از هزینه‌های معاملاتی هزینه

انجام یک مبادله اقتصادی است. قیمت مورد معامله، هزینه حمل و نقل هرگونه موضوع مادی، هزینه‌ی پیدا کردن طرف معاملاتی، هزینه‌های گفتگو و چانه‌زنی، هزینه‌های کسب اطلاعات، نگارش و تنظیم قرارداد، وقتی که صرف خرید می‌شود، هزینه‌های اجرا و هزینه‌هایی از این دست، گاهی اوقات، فرد را از تشکیل یا اجرای معامله‌ای کارآمد منصرف می‌کند. در برخی موارد هم که اجرا صورت می‌گیرد، بدلیل هزینه‌های بسیار بالا، بر منفعت معامله غلبه پیدا می‌کند و مانع تحقق کارایی می‌شود، از اینرو قواعد معاملاتی باید در جهت کاستن از این هزینه‌ها تبیین شوند (باقری و شیخ‌سیاه، ۱۳۸۹: ۳۳). پذیرش قراردادهای ناقص، یعنی قراردادهایی که توافق در تمامی زمینه‌ها و جزئیات آن الزامی نیست؛ می‌تواند یکی از مهم‌ترین تمهیدات در این راستا باشد. اگر به لحاظ حقوقی، طرفین مجاز باشند صرفاً بر سر مسائل اساسی عقد به توافق برسند و درباره مسائل جزئی به چانه‌زنی و گفتگو نپردازند بلکه تکمیل قرارداد را به عرف و بازار یا قانون واگذار نمایند، بسیاری از این هزینه‌ها محو خواهد شد (قلی‌پور گیلانی، ۱۳۸۴: ۳۰۶).

- بازداري طرفین از بی‌احتیاطی در فرآیند معامله

یکی دیگر از هدف‌های حقوق قراردادی از دیدگاه اقتصادی، بازداشتن از بی‌احتیاطی در فرآیند عقد است که موجب اعتماد زیان‌بار می‌شود و این اعتماد از نظر اقتصادی، روا نیست. بنابراین در طراحی قواعد مربوط به نقض تضمینات آشکار یعنی تدلیس، اشتباه قراردادی و غیره، حقوق، باید مسئولیت ناشی از پیامدهای منفی را به طرفی منتقل سازد که با رعایت احتیاط‌های هزینه‌بخش، می‌توانست از وقوع آن حادثه زیان‌بار جلوگیری کند یا مسئولیت را بیمه کند. در این زمینه ماده ۳۸۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اگر مبیع قبل از تسلیم بدون تقصیر و اهمال از طرف بایع تلف شود، بیع منفسخ و ثمن باید به مشتری مسترد گردد...». در توجیه مبنای این ماده بین حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را موافق قاعده و مبتنی بر تراضی طرفین و ساختمان معاوضی عقد می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۳۱۴) و برخی آن را خلاف قاعده و حکم استثنایی دانسته‌اند (امامی، ۱۳۸۴: ۱۴۳). با رعایت ملاحظات اقتصادی معلوم می‌شود که حکم ماده ۳۸۷ استثنایی نیست زیرا شخصی که مال به او تسلیم شده بهترین شخص، برای تحمل ضرر است و با کمترین هزینه می‌توانست از ورود ضرر جلوگیری یا آن را بیمه کند.

در قانون بیمه مصوب ۷ اردیبهشت ۱۳۱۶ نیز آثار رعایت انصاف توسط قانونگذار ایرانی بخوبی مشهود است در ماده ۱۰ قانون مزبور می‌خوانیم که در صورتیکه مالی کمتر از قیمت واقعی بیمه شده باشد بیمه‌گر فقط به تناسب مبلغی که بیمه کرده است با قیمت واقعی مال مسئول خسارت خواهد بود. این ماده نمونه روشنی از انصاف در دعاوی است. عرف نیز در مواردی در تحلیل اقتصادی تفسیر قرارداد نقش بارزی را ایفاء می‌کند معنای لغوی عرف، معرفت و شناسایی است

سپس به معنی چیز نیکو و شناخته شده و مانوس که عقل سلیم آن را به حسن قبول تلقی نماید استعمال شده است و در اصطلاح حقوقی عرف عبارت است از "عادت تمام یا اکثر افراد یک قوم در گفتار یا رفتار معین". تعریف مشهوری از عرف نیز منتسب به امام محمد غزالی وجود دارد که چنین است "هو ما استقر فی النفوس من جهة العقول و تلقته الطبائع السليمة بالقبول" (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۱۱).

پس در قراردادهای بازرگانی گاهی ممکن است از لحاظ موازین حقوق مدنی اساساً قابل تفسیر و اجرا نباشد ولی با توجه به عرف بازرگانی و نظر معقول متعاملین قابل استناد و اجراء باشد از نظر حقوقی استناد به عرف فقط در صورت سکوت یا اجمال یا نقص قانون مدون جایز است. حال آنکه در روابط ذاتاً بازرگانی دامنه عرف وسیعتر است و گاهی از اوقات دادرس ناگزیر است که قراردادهای بازرگانی را فقط بر اساس قواعد عرفی معمول مورد تفسیر قرار دهد. روشن است که عرف بازرگانی در اصناف و رشته های مختلف بازرگانی متفاوت است و منظور از عرف تجاری یا بازرگانی یک سلسله قواعد عرفی کلی نیست که کاربرد عمومی برای کلیه معاملات بازرگانی داشته باشد (کوز، ۱۹۰: ۲۱).

از دیدگاه تحلیل اقتصادی، تفسیر قرارداد ناشی از نقض قرارداد است و نقص قراردادی نیز به این دلیل برآمده از عدم تقارن اطلاعات طرفین (در زمان تشکیل قرارداد) می باشد، که امری طبیعی است بنابراین تفسیر کننده قراردادی در تفسیر آن بایستی که به دنبال مهار فرصت طلبی قراردادی طرفین یا یکی از طرفین و کاستن از هزینه معاملاتی باشد (نوفرستی، ۱۳۹۰: ۱۴۹). مفهوم اقتصادی تفسیر قرارداد عام تر از تفسیر حقوقی قرارداد است چه اینکه تفسیر اقتصادی قرارداد علاوه بر رفع ابهام از شروط (موجود) قرارداد به دنبال پر کردن خلاء (نقض قراردادی) و استفاده از شروط جایگزینی و تکمیلی است در حالیکه منطق حقوقی، بر خلاف منطق اقتصادی بی رحم بوده و نگرش مضیق در قیاس با نگرش اقتصادی به مقوله تفسیر قراردادها دارد. (امامی، ۱۳۸۴: ۲۱۳).

۲-۵-۱ اصول اقتصادی قراردادها

۱. نقطه‌ای آغاز تحلیل‌های اقتصادی معاملات، این فرض است که معامله برای طرفین سودمند است. به این دلیل طرفین وارد قرارداد می‌شوند که از آن سود می‌برند. در زمان انعقاد قرارداد، فرض بر این است که هر یک از طرفین ارزش تعهد طرف دیگر را بیشتر از هرگونه تعهد جایگزین دیگری می‌داند.

۲. نگرش اقتصادی با این فرض آغاز می‌شود که قراردادهای ناقص در دنیای واقعی به طور کلی با هزینه‌ها و ابهامات معاملاتی سازگاری کارآمدی دارند. آینده مبهم است و هر قراردادی که رکنی مربوط به آینده داشته باشد دارای ابهام می‌شود، بنابراین قدری انعطاف معاملاتی ضروری به نظر می‌رسد. الزام به تعیین تمامی جزئیات در قرارداد توسط طرفین این انعطاف را از قرارداد می‌گیرد. نظریه قرارداد ناقص ضمن کاهش هزینه‌های معاملاتی، انعطاف لازم را به معامله اعطا می‌کند.

۳. بازارهای کالاها و خدمات به طور کلی کارآمد هستند. این فرض بویژه در موردی که بازار رقابتی باشد، قوی به نظر می‌رسد و این تضمین وجود دارد که منابع و کالاها به شخصی منتقل می‌شوند که بیشترین ارزش را برای آن‌ها می‌شناسد.

۴. برای تعیین شروط قراردادی، طرفین به چانه‌زنی و مذاکره نمی‌پردازند، بلکه شروط قرارداد بوسیله نیروهای بازار تعیین می‌شوند. در بازارهای رقابتی، در تعیین مفاد قراردادی و تک تک شروط آن، نیازی به مذاکره‌ی طرفین نمی‌باشد بلکه قیمت و شروط قراردادی نتیجه‌ی تعامل بسیاری از عرضه‌کنندگان و خریداران بر سر هر کالا و منبع است. این شروط قراردادی بوسیله نیروهای بازاری غیرشخصی شکل می‌گیرند. علاوه بر این، در این بازار، منابع نسبتاً متجانسی وجود دارد، کالاها و خدمات بوسیله بسیاری از عرضه‌کنندگان و خریداران، عرضه و خریداری می‌شود. از سوی دیگر، گاهی درباره کیفیت کالا، اختلاف پیش می‌آید که از طریق بازار حل و فصل می‌شود (M.A. Eisenberg، به نقل از انصاری، ۱۳۹۰: ۳۰۲)

۲. نتیجه گیری

- ❖ به طور کل می‌توان گفت در منطق حقوقی تفسیر قراردادها حدودی انعطاف ناپذیر و خشک است در حالیکه منطق اقتصادی در تفسیر قرارداد از انعطاف برخوردار بوده و بین سود فردی و اجتماعی قائل به قاعده جمع است.
- ❖ حقوق قراردادها موجبات انتقال اموال را فراهم می‌آورد و حقوق ضمان قهری و و مسؤولیت مدنی از آن در مقابل تعدی و تجاوز دفاع می‌نماید. در هر حال، ارزشمندی اقتصاد بازار و حقوق خصوصی در مقایسه با یک نظام اقتصادی هنجاری معنی پیدا می‌کند که براساس آن کاستی‌های بازار و حقوق خصوصی نیز می‌تواند آشکار شود.
- ❖ تحلیل اقتصادی اعتبار قرارداد در سه دسته جداگانه اما مرتبط با هم است: (۱) کاربرد اقتصاد برای پیش بینی آثار قوانین و مقررات، (۲) استفاده از اقتصاد برای تدوین مقررات و قوانینی که

از نظر اقتصادی باید کاراً باشند و (۳) کاربرد اقتصاد برای پیش بینی قوانین و مقرراتی است که در آینده تدوین می شود.

❖ دلیل اصلی دخالت دولت در اقتصاد مبتنی بر بازار از طریق وضع و اجرای مقررات حقوق اقتصادی بوده است. این امر ثابت می کند که این مقررات به اندازه نهادهای حقوق خصوصی برای حفظ عدالت و هماهنگی در اقتصاد مبتنی بر بازار حیاتی هستند. حقوق اقتصادی در انواع مختلف خود به عنوان کاراترین، عام المنفعه ترین و منصفانه ترین شکل دخالت دولت در بازار تلقی می شوند. این مقررات به واسطه شرایط، روش ها و اهدافی که دارند، از ماهیت حقوق عمومی برخوردارند.

منابع

۱. امامی، سیدحسن (۱۳۸۴). حقوق مدنی، جلد اول، چاپ بیست و پنجم، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۲. امامی، سیدحسن (۱۳۸۰). حقوق مدنی، جلد دوم، چاپ شانزدهم، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۳. انصاری، مهدی (۱۳۹۰). تحلیل اقتصادی حقوق قراردادها، چاپ اول، تهران، انتشارات جاودانه، جنگل.
۴. شهیدی، مهدی (۱۳۸۳). آثار قراردادها و تعهدات، جلد سوم، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد.
۵. شهیدی، مهدی (۱۳۸۵). تشکیل قراردادها و تعهدات، چاپ پنجم، تهران، انتشارات مجد.
۶. شهیدی، مهدی (۱۳۸۶). حقوق مدنی ۳؛ تعهدات، چاپ دهم، تهران، انتشارات مجد.
۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری؛ مسئولیت مدنی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹). دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی: قرارداد، ایقاع، چاپ اول، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ درس‌هایی از عقود معین، جلد اول، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ درس‌هایی از عقود معین، جلد دوم، چاپ یازدهم، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
۱۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۶). دوره مقدماتی حقوق مدنی؛ وقایع حقوقی، چاپ دوازدهم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰). فلسفه حقوق، جلد اول، چاپ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
۱۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰). قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم، چاپ سوم، تهران، نشر انتشار.
۱۴. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰). قواعد عمومی قراردادها، جلد چهارم، چاپ سوم، تهران، نشر انتشار.
۱۵. نوفرستی، محمد (۱۳۹۰). مبانی اقتصاد خرد با نگرشی به اقتصاد ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات رسا.
۱۶. اکبرپور، مجید و محبی، ابوالفضل و نظری، خدیجه (۱۳۹۰). بررسی تعهدات طبیعی در حقوق ایران، با رویکرد حقوقی و تحلیل اقتصادی، مجله حقوقی دادگستری، صص ۱۸۵ - ۲۰۸، شماره ۷۶.

۱۷. انصاری، مهدی(۱۳۹۰). نظریه نقض کارآمد قرارداد از دیدگاه مکتب تحلیل اقتصادی حقوق، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، صص ۳۹-۵۷، دوره ۴۱، شماره ۱.
۱۸. بابایی، ایرج(۱۳۸۶). مبانی نظری رویکرد تحلیل اقتصادی حقوق، فصلنامه پژوهش حقوق، صص ۱۳-۶۰، سال نهم، شماره ۲۳.
۱۹. بادینی، حسن(۱۳۸۵). آیا حقوق دانش مستقلاً است؟ فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، صص ۱-۴۵، شماره ۷۴.
۲۰. بادینی، حسن(۱۳۸۲). مبانی فلسفی نگرش اقتصادی به حقوق، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، صص ۹۱-۱۳۵، شماره ۶۲.
۲۱. باقری، محمود و شیخ‌سیاه، جواد(۱۳۸۹). در جستجوی مطلوبیت: تحلیلی از قضیه کاوز در تعامل حقوق و اقتصاد، فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، صص ۱۹-۳۸، دوره ۴۰، شماره ۱۰۱.
۲۲. خاندوزی، سیداحسان(۱۳۸۶). معیارهای اقتصادی در قانون‌گذاری نوین، مجله مجلس و پژوهش، صص ۲۷۹-۲۹۶، سال ۱۳، شماره ۵۴.
۲۳. کاویانی، کورش(۱۳۸۶). درآمدی بر تحلیل اقتصادی حقوق، فصلنامه پژوهش حقوق، صص ۱۰۲-۶۱، سال ۹، شماره ۲۳.
24. Cooter, Robert & ulen, Thomas(2000). law and Economics, 3 Edition, Massachusetts, Addison Wesley longman.
25. posner, Richard A(1998). Economic analysis of law, 5 Edition, new York, Aspen publishers.
26. coase, Ronald(1937). The nature of the firm, economica, new series, vo1/4, no16, pp: 386-405.
27. coase, Ronald(1960). The problem of social cost, Journal of law and Economics, pp: 1-44.
28. Cooter, Robert and Eisenberg, Melvin(1985). Damages for Breach of contract, 73 california law Review, pp: 1432-1481.